

کانالها

هر هسته و هر دانه ای هر چقدر هم که کوچک و ذره بینی باشد، مثل دانه خاکشیر به یک نیرو که ما آن را نیروی رشد و نمو و یا نیروی زندگی می شناسیم اتصال دارد. در نهاد انسان هم تقریباً مثل همه حیوانات و گیاهان یکجده نیروهای سازنده و مخربیه نهاده شده است که متاسفانه بشر خودش از آنها اطلاعی چندانی ندارد. در بحث های گذشته مکرراً در باره نیروی مادری صحبت کردیم، ما این نیرو را بنام نیروی کندالینی می شناسیم. در مقابل نیروی مادری يك نیروی پدری در هر شخص نهفته شده است که ما آن را روح می نامیم . بطوریکه شما می دانید نیروی مادری در استخوان مقدس و نیروی پدری یعنی روح، در قلب هر انسان مستقر شده است . اگر ما هسته ای را در زمین بسیار حاصل خیز بکاریم، ولی نتوانیم به آن آب برسانیم آن دانه هر چقدر هم سالم و آن زمین هر چقدر هم حاصلخیز باشد بدون وجود آب از بین خواهد رفت . برای ادامه زندگی هر هسته یا بذر، کانالهای مخصوصی لازم است تا آب بتواند در آن حرکت نماید. هر گاه ما بخواهیم نیروی مادری (کندالینی) یا نیروی پدری (روح) را فعال نمائیم تا باهم ارتباط برقرار کنند نیاز به راههای ارتباط دهنده داریم که ما آنها را کانالها و مسیرهای عبور کندالینی و پیوند ان با روح می نامیم. بدون وجود کانالهای ارتباطی لازم، ارشاد و فعالیت کندالینی میسر نخواهد بود. بدن هر انسان از سه کانال تشکیل شده است : کانال راست که شامل عضلات موجود در طرف راست می باشد .

کانال چپ، که شامل عضلات موجود در طرف چپ می باشد. کانال مرکزی که در مرکز بدن یعنی همان ستون فقرات می باشد . نیروها نیکه در این سه کانال وجود دارند، با همدیگر متفاوت می باشند . نیروهای موجود در طرف راست نیروی فعالیت، رشد ترقی، پیشرفت و هنر و موفقیت ، و بر عکس در طرف چپ نیروهای از قبیل: احساسات ،خواستها و آرزوها مهربانی، افسردگی، شادی و نشاط می باشد. این طرف شبیه زمین حاصلخیزی می ماند که نیروهای سازنده و مخرب همانند دانه فوق الذکر در آنجا جوانه میزنند . این دو کانال را چینی ها حدود چهار هزار سال پیش بنامهای (یان) و (یین) و هندوها آنرا بنام (تاماس) و (راجاس) نامیده اند . به بطور ساده می توان کانال و نیروی طرف راست را کانال گرما (خورشید یا پینگالا) ویا آینده و مذکر نامید که آن مطابق با اعصاب سمپاتیک ما و کانال طرف چپ را ، کانال ماه (سرما یا ایدا) مونث یا گذشته نامید. که آن مطابق با اعصاب پارا سمپاتیک بدن ما میباشد . البته منظور از مونث و مذکر این نیست که نیروهای طرف راست در مردها و طرف چپ فقط در زنهاست، بلکه در سیستم هر موجود زنده، چه در حیوان ویا در گیاه این دو کانال راست و چپ موجود می باشد . فقط شدت استفاده از این کانال ها و جریان و نیروها موجود در آنها در هر شخص فرق می کند. آنچه مسلم است این است که ما نمیتوانم تنها از نیروی های طرف راست استفاده نمائیم بلکه برای تعادل درونی، نیروهای طرف چپ را هم نیاز داریم . بدینگونه ما روزانه مابین این دو نیرو در حال حرکت هستیم . گاهی در طرف راست، زمانی در طرف چپ، قرار می گیریم . اول اعصاب سمپاتیک یعنی طرف راست ، محرک شده بعدا کانال و نیروهای طرف چپ یعنی اعصاب پاراسمپاتیک شروع به فعالیت می نماید. اعصاب پارا سمپاتیک و کانال چپ وقتی شروع به کار می کنند. که اعصاب سمپاتیک (راست) از کار بایستند . همراه با این دو کانال اصلی طرف راست و چپ کانال مخصوص دیگری بنام (شوشومنا یا کانال مرکزی) موجود است که در ان فقط نیروی کندالینی در جریان است که این کانال مطابق با تمامی سلسله اعصاب موجود در امتداد ستون فقرات ، مخ و مخچه می باشد. کانال مرکز، را هم می توان کانال تعادل گفت این کانال از استخوان مقدس شروع میشود و درملاج سر ختم میگردد. کانال خورشید از مرکز دوم ، سرچشمه می گیرد و به اگو که در نیمکره طرف چپ سر واقع است، منتهی میگردد. کانال ماه از مرکز اول شروع میشود و به سوپر اگو که در نیمکره طرف راست سر می باشد ختم می شود . (برای بهتر درک کردن به سیستم ظریف بدن مراجعه کنید). بطوریکه در بالا ذکر شد. کانال طرف چپ کانال خواستها، امیال، آرزوها و احساسات ما می باشد و قتیکه ما چیزی را میخواهیم ، مثلاً اگر ما قصد خرید یک فرش را داشته باشیم ، آن یک خواست است . برای رسیدن به آن بایستی عملیات مختلفی را انجام دهیم، اول بایستی پول تهیه نمائیم، برای انتخاب فرش به مغازه فرش فروشی میرویم، آن را انتخاب کرده و میخریم بغير از این، خواست ما که خرید يك قطعه فرش بود مورد اجابت قرار نخواهد گرفت . اگر خواست ما رسیدن به مال و ثروت و مقام و ریاست باشد . پس ما بایستی به اعمال و فعالیتهای مربوط به ان دست بزنیم . انرژی مربوطه این خواستها این اعمال و فعالیتها در طرف راست ما تولید میشود به این جهت است که در موقع کار کردن بدن ما گرم می شود، البته این گرم شدن بنوع کار ما بستگی دارد . مسلم است که خستگی بدنی را ما به آسانی درک

میکنیم، تا ضعف و خستگی روحی و روانی. نوع و مقدار استفاده از کانالهای چپ و راست را نوع خواست ما تعیین می نماید. اگر ما خواستهای گوناگون داشته باشیم، فعالیت کانال راست ما به همان اندازه بالا می رود. بدین ترتیب می توان گفت که در پایه اگو (خود خواهی) ما خواسته ها و امیال و آرزوهای بیش از حد ما قرار گرفته است. اگر خواسته های ما بطور مدام افزایش بیابد واضح است که برای اجابت آنها هم بطور مدام در فعالیت و تلاش خواهیم بود و اهسته اهسته تمامی احساسات ماخسته و ناتوان میشود. ما تبدیل به يك ماشين خودكار (روبوটা) میشویم، یعنی بیست و چهار ساعت مدام فکر می کنیم و نقشه طرح می کنیم که چطوری بتوانیم این خواستها و آرزوها را برآورده نمائیم. بدین ترتیب شما آدمی میشوید که نمیتوانید فکر خودتان را کنترل نمائید، افکار شما مسلسل وار از مغز شما عبور می نمایند، شما اگر هم بخواهید از آنها رهائی پیدا بکنید هم نمی تواند. بطوریکه قبلا اشاره شده کانال راست به بنیست اگو ما در نیمکره چپ مغز ختم میشود. در اثر فعالیتهای بیش از حد و افکار و اندیشه های مدام او، مثل یک بادکنک باد میکند و روی ملاح و سوپر اگو که قسمت هم وزن اگو ما می باشد را می گیرد. بدین ترتیب شما یک آدم خشک و خشن و جاه طلب و عصبانی، مستبد، متکبر می شوید. اگر در چنین شرایط قدرتی در دسترس شما باشد، شما مثل هیتلر و استالین میشوید. اول فشار را به خانواده خویش و بعد به شهر و کشور وارد خواهید آورد. فکر نکنید که چنگیز، اسکندر و هیتلر از بدو تولد خونخوار بودند. در پایه این همه گشت و کشتار يك خواست بی ارزش یا حس جاه طلبی، مقام پرستی و انتقام از خود و دیگران مستقر شده است. همچون انسانهایی در معرض هر گونه بیماری از جمله سکنه قرار می گیرند، هیچ کدام از آنها عمر طولانی نکرده اند زیرا که آنها قدرت نیروی زندگی که خدا برایشان معین نموده است در اندک مدتی صرف نموده و در سن جوانی مثل اسکندر و بروس لی (کاراته باز معروف) از دنیا رفته اند. درست در قسمت مقابل اعمال طرف راست، طرف چپ قرار گرفته است. بعد از اینکه ما همه انرژی لازم را صرف خواست و امیال خویش نمودیم و مدال طلا را دریافت کردیم آنوقت طرف دیگر قضیه شروع میشود، دیگر چیزی نیست که شما بتوانید بدست بیاورید. شما یواش یواش به کانال چپ می افتید، افسردگی که در حال حاضر یکی از بزرگترین بیماریهای غرب است به سراغتان می آید، کافی است که شما یک بیماری خیلی جزئی مثل سرماخوردگی داشته باشید، تمامی خصوصیات کانال چپ فعال میشود و شما آدم تنبل، سست، تن پرور و پرخور و آدمی با احساسات زیاد خواهید شد. اولین ابری که در آسمان زندگی شما پیدا میشود زندگی شما را تاریک و غمناک می نماید و قدرت هیچ کار را ندارید، خودتان را عاجز و افسرده، غمگین و نالان، ناراحت و شکست خورده می بینید آنوقت اظهار پشیمانی و ندامت شروع خواهد شد. در ابتدا نیروی کانال راست را که به حد اعلای خویش رسانده و بعد نیروی شروط و کانال ماه را به حد افراطی می رسانید، بدین طریق سوپر اگو که منتهای کانال چپ یعنی کانال ماه می باشد، شروع به باد کردن می کند و روی اگو و ملاح سرتان را می گیرد و شما به آدمی تبدیل می شوید که با کوچکترین مسئله متاثر و غمگین می شوید بدون اینکه دلیل آن را بدانید. انسانهایی که در کانال چپ بسر می ببرند. اکثرا یا خودکشی می کنند، یا سرطانی می گیرند. درست برعکس، افرادی که در کانال راست، بسر می برند و تمامی اوقات زندگی را در فکر و تلاشهای سازنده یا مخرب می گذرانند، انموقع چاره چیست چه باید کرد؟ در مواردی که حس می کنیم که در کانال راست یا کانال چپ هستیم، بایستی از نیروی متعادل کننده کندالینی کمک بگیریم، بدون نیروی کندالینی شما نخواهید توانست بهبود و شفا بیابید و از چنگال افراطهای خویش نجات بیابید. کندالینی مثل یک مادر عزیز در بدن ما می ماند. بعد از ارشاد کندالینی او در امتداد ستون فقرات حرکت مینماید تمامی اعصاب سمپاتیک و پاراسمپاتیک را ترمیم می نماید، با ملایم شدن آنها باد بادکنکهای اگو و سوپر اگو آرام آرام خالی میشود، در اندک مدتی آنها دوباره به حالت عادی برمیگردند. از بازتاب اثر کندالینی شما آرامش پیدا می نمائید، بعد از اینکه کندالینی تمامی مراکز پائین را روشن ساخت وارد قلب ما می شود، با نیروی پدری (روح خداوند) که در اول از آنها یاد کردیم ملاقات می نماید و این دو نیرو با اتحاد هم به سر ما صعود میکنند و مغز و مخچه را ارشاد می نمایند و بلاخره از ملاح سرمان مثل آبی که از چاه آرتیزن (چاه بدون پمپ) خارج می شود به فوران در می آید. بطوریکه شرح دادیم رشد انسان زمانی شروع میشود که، نیروی مادری و نیروی پدری با هم به اتحاد رسیده باشند. از بازتاب پیوند این دو نیرو، نسیم خنک الهی از بدن شما خارج میشود. بعد از این دیگر شما به طرف راست (اینده) و به طرف چپ (گذشته) متمایل نمی شوید و دیگر سمت راست و سمت چپ سر شما باد نمی کند. زیرا که هر بیماری و هر مسئله ای که دارید، توسط نسیم الهی از طریق ملاح سرتان به بیرون تراوش میکند و شما را آرام و متعادل و در بالانس نگه می دارد. از بازتاب این عمل شما یک آدم آرام و خنده رو و شاد و سالم و بدون غم و غصه تبدیل می شوید. بدانید که خواست شما در پایه اعمال شما

قرار گرفته است اگر شما آرامش و مسرت و سلامتی را بخواهید به آن خواهید رسید. اگر شما استبداد و پول پرستی را پیشه نمائید، به آنهم خواهید رسید، ولی به چه بهائی و به چه ارزشی، پس انتخاب با شماست که کدامین راه را انتخاب کنید .